

قدردانی از بنیانگذار انجمن‌های توان‌یاب و احیای ارزش‌ها در هجدهمین سالگرد تولد این انجمن‌ها

عشق، ایمان، سلامت



پرینان بلخی
گروه احیا طی ۱۷ سال گذشته توانسته است در راستای توانبخشی کودکان توان‌یاب (معول) و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، آگاهی‌رسانی و ارائه خدمات به این فشر تغییر دیدگاه جامعه نسبت به مبتلایان به لاج‌آی‌وی، ای‌یدز و معلولان و ایجاد فرصت‌های برابر برای آنها با افراد دیگر جامعه گام بردارد. این گروه همچنان پذیرای افراد داوطلب و نیکوکار جامعه فارغ از هر گونه تخصص و تجربه برای همکاری در ارائه هر چه بهتر خدمات توانبخشی و اجتماعی به افشار نیازمند جامعه است. کودکان توان‌یاب و کودگان مبتلا به لاج‌آی‌وی (ایدز مانند نیلوفرانی هستند که در ازای برگ‌رشد می‌کنند و گروه احیا توانسته تکیه‌گاه امنی برای آنها در برابر تنبادهای اجتماع باشد. ۱۴ مردادماه جشن ۱۸ سالگی انجمن احیای توان‌یاب بود اما این جشن در واقع قدرانی و تجلیل از فردی بود که با تکیه بر این ایه قرآن و من احیایا فکانتا احیا الناس جمیعا: هر کس باعث زندگانی کسی شد، گویی همه مردم را حیات بخشیده است، کار خود را شروع کرده و هرگز ذره‌ای از هدفش عقب‌نشینی نکرده و آوازه خدماتش به سراسر ایران رسیده است.

در بیمارستان بودم که آقای منصوریان آمدند و به من گفتند: «چرا حست را پنهان می‌کنی؟ مگر معلولیت خجالت‌دارد؟ حست را به همه نشان بده که بدانند تو با همین دست به فرزندت غذا می‌دهی.»
و من امروز دستم را به شما نشان می‌دهم و از آن خجالت نمی‌کشم و می‌گویم که سر تعظیم در مقابل آقای منصوریان فرود می‌آورم. فرزند من هم که کاملا نتوان بود و در گوشه‌ای از خانه افتاده بود، امروز راه می‌رود و بازی می‌کند

۶۶

آقای منصوریان به این جایگاه رسیده‌اند باید بگویم افرادی مانند آقای منصوریان هیچ‌گاه برای اینکه از آنها تقدیر شود، تقشما می‌داشتند. خسرو منصوریان از آنچه که دوست داشت، گذشت و به توفیقی رسیده که کمتر کسی می‌تواند به آن برسد.

در این مراسم ۲ مادر و پسر بزرگی هم حضور داشتند که از آنچه که بر آنها رفته بود، گفتند: مادر: «فرزند من به هموفیلی مبتلاست. سال دوم راهنمایی بود که متوجه شدم ناقل ویروس اج‌آی‌وی هست. دکتر پسر من فوق‌تخصص بود و ما با هم نسبت فامیلی داشتیم. او و من موضوع را به همسر من اطلاع داد. یک روز که در خانه آنها بودیم، حقیقت را به من هم گفت و توصیه کرد تمام وسایل شخصی فرزندم را از خانواده جدا کنم و ارتباط او را هم با فرزندم خودم قطع کرد. من هنوز از این موضوع که دکتر فوق‌تخصص با بیماری‌ای مثل اج‌آی‌وی این چنین برخورد کند ناراحتیم. ۸ سال موضوع را از او پنهان کردم تا اینکه در ۲۳ سالگی او به زونا مبتلا و در بیمارستان بستری شد. آنجا بود که پسرم هم از بیماری‌اش مطلع شد. بسیار آفسرده و ناراحت بود. به او گفتم: «در این ۸ سال چگونه زندگی کردی؟ همان کار را بکن.» تا اینکه با این انجمن آشنا شدیم و در همین انجمن بود که زندگی پسرم مسیر دیگری پیدا کرد. او درحال حاضر فوق‌لیسانس دارد و ازدواج کرده است.

مادری هم که کودکش دچار مشکلی در هر ۲۴ ساعتش بیرون آورده دستش که تا به حال ۶ بار روی آن جراحی شده بود. او بیماری صرع داشت. روزی مشغول پختن غذا بود که دچار حمله می‌شود. در همان حین روی گاز خوراک‌پزی می‌افتد و دستش به‌طور کامل تاج و بخشی از گردن می‌سوزد. همسایه‌ها متوجه بوی سوختگی دست او می‌شوند و برای کمک می‌آیند ولی کار از کار گذشته بود. این خانم گفت: «در بیمارستان بودم که آقای منصوریان آمدند و به من گفتند: «چرا دست پنهان می‌کنی؟ مگر معلولیت خجالت‌دارد؟ دستم را به شما نشان بده که بدانند تو با همین دست به فرزندت غذا می‌دهی.» و من امروز این دست را به شما نشان می‌دهم و از آن هم خجالت نمی‌کشم و می‌گویم که سر تعظیم در مقابل آقای منصوریان فرود می‌آورم. فرزند من هم که کاملا ناتوان و در گوشه‌ای از خانه افتاده بود، امروز راه می‌رود و بازی می‌کند.»

یک عمر خود را وقف مردم کردن فظ از عهده یک عاشق برمی‌آید.
تلقیق مددکاری اجتماعی و توانبخشی مهم‌ترین دستاورد این انجمن است
دکتر محمد کمالی، فیزیوتراپیست، استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران و معاون سابق توانبخشی سازمان بهزیستی گفت: «نگرش ما به گونه‌ای است که معمولا افرادی را که از ناتوانی رنج می‌برند، نمی‌بینیم یا از آنها غفلت می‌کنیم. انجمن احیا و توان‌یاب فعالیت زیادی کرده و تلقیق حوزه مددکاری اجتماعی با حوزه توانبخشی از دستاوردهای خسرو منصوریان بوده است. آنچه که اصلا جای در این انجمن نداشته و ندارد، نگاه ترحم‌آمیز به افراد کم‌توان است. متأسفانه این عمل به‌طور مداوم می‌شود که راه‌های موفق شدن را آموزش می‌دهند... افراد می‌توانند برنامه‌ریزی کنند تا موفق شوند ولی برای پاسخ به اینکه چرا

در کشورهای همسایه که نقش کلیدی دارند، دنبال کنیم.»
وی تصریح کرد: «امروز این انجمن به یک درخت تنومند تبدیل شده است. ما در ارتباط با این عمل در جامعه داخل یک کویر هستیم و این درخت تنومند با تمام وجود و به‌تنباهای سایه خود را بر سر جامعه افکنده است. امیدواریم نهادهای دیگری هم وارد این حوضه شوند و فعالیت خود را به‌خصوص برای کنترل ویروس اج‌آی‌وی آغاز کنند.» دکتر اولیایی توضیح داد: «۱۶۲ نفر از مادران حامی انجمن توان‌یاب بسیار گسترده‌است توانبخشی، مداخله در شرایط ویژه، حمایت‌های حقوقی، آموزش و اطلاعات‌رسانی، حمایت روانی از کودکان و... ماموریت انجمن احیا نیز کمک به آسیب‌های اجتماعی با محوریت مبتلایان به لاج‌آی‌وی از طریق اطلاع‌رسانی و حساس‌سازی جامعه و جلب مشارکت مسولان در ارتباط با این معضلات است. یکی از افتخارات انجمن خدمات رایگان است و تنها موسسه‌ای است که بدون گرفتن کوچک‌ترین کمک از دستگاه‌های دولتی و سایر نهادهای توانسته خدماتی که بعضی از آنها هم بسیار گرانقیمت هستند، ارائه دهد.»
دکتر اولیایی افزود: «متأسفانه در کشور ما به‌موقع درباره ویروس اج‌آی‌وی صحبت نشد و تعداد حاملان این ویروس به سرعت افزایش یافت و انجمن احیای ارزش‌ها بود که توانست اطلاع‌رسانی جامعی داشته باشد و نابوها را درباره این بیماری بشکند. حتی خط مشاوره تلفنی رایگان نیز برای مددجویان و نیازمندان برقرار شده و مردم می‌توانند از سراسر ایران تماس و مشاوره بگیرند. این انجمن با تجربیاتی که دارد، کمک کرده انجمنی مشابه با انجمن احیای ارزش‌ها در شهرهایی مانند تبریز، کرج، شیراز، کرمان، مشهد و اراک نیز تأسیس شود. ما در کشورهای عراق، ترکیه و افغانستان نیز مشغول رایزنی هستیم تا با همین الگو کار را

خسرو منصوریان: من همان آشپزیم که فقط یک سنگ داشت!
در پایان این جشن، خسرو منصوریان روی صحنه آمد و گفت: «سختی حال من را در این لحظات حس کنید. در تمام عمرم لحظات سختی مثل امروز نداشتم ولی من هم می‌خواهم به سوائی که مهندس توسلی ابتدای جشن طرح کردند، اینکه چگونه منصوریان شکل گرفت، پاسخ بدهم: «روزی پیری در بیابان می‌رفت. او به قریه‌ای رسید که انسان‌ها در آن ساکن بودند. گرسنه و خسته بود. آتش درست کرد تا گرم شود. مردم قریه آتش را دیدند و به سوی او آمدند. گفتند: «ما گرسنه‌ایم. پیر گفت: «من هم گرسنه هستم. چرا غذایی درست نمی‌کنید؟ تا به حال آتش سنگ خورده‌اید؟» آنها گفتند: «این چگونه آشی است؟» او ابتدا دیگری درخواست کرد و یکی از اهالی ده دیگ آورد. سپس از هر کس مقداری نخود، پشش، آب، سبزی و... درخواست کرد و همه آنها را داخل دیگ ریخت و روی آتش قرار داد و هم می‌زد و زیر لب می‌گفت: «ان‌شا... می‌شود.» قلهه سنگی هم داخل دیگ انداخت. آتش پخت و همه اهالی ده خوردند. این قصه را برای این کفتم که بگویم من همان آشپزیم که فقط یک سنگ داشتم. منصوریان‌ها!

«بای به راه درنه و هیچ مپرس / راه خود بگویی که چون باید رفت.» عین این شعر در بم اتفاق افتاد: خانه‌ای در اختیار ما قرار گرفت. بعد از مدتی تصمیم گرفتند خانه را پس بگیرند. ما جایی نداشتم. فردی آمد کارت ملی من را خواست. بعد از مدتی کارت ملی را با یک کاغذ نشانه به من پس داد. پرسیدم: «این چیست؟» گفت: «سند بلاعزل نام‌لاختاری با ۳۵۰۰ متری در مرکز بم است.» این باغ را پیدا کردیم. همراه من خانمی بود که گفت: «یاد دارید از خانه بغلی بیرون آمدیم و گفتید: «نگران نباش صاحب این باغ سندش را به ما خواهد داد؟» این همان باغ است.» خداوند شما را می‌بیند، انگشت اشاره را می‌بیند، فارسی هم بلد است. وقتی با ایمان درباره رحمت‌ها و صحت کنید و از جانب او قول دهید، حتما آنچه را که می‌خواهید، می‌دهد. صادقانه بگویم من از مضمون این جشن اطلاعی نداشتم و علاقه‌ای هم به تعریف و تمجید ندارم زیرا بسیاری از افراد نیکوکار هستند و در خفا به کار خود ادامه می‌دهند ولی الان از حضور در این جشن خوشحالم زیرا ایمان دارم که می‌توان دل‌ها را قیضه و بعد رها کرد. این دل‌ها به‌طور خودکار به کارشان ادامه می‌دهند. این مراسم نشان خوبی از ترویج فرهنگ کار داوطلبانه و بشردوستانه است. ■



Sonata LF 2015
پیش پرداخت ۸۱/۰۰۰/۰۰۰ تومان
اقساط ماهیانه ۸/۰۰۰/۰۰۰ تومان

«فروش یکساله انواع خودروهای وارداتی به جامعه پزشکی با همکاری لیزینگ کار آفرین»

بمباران خودرو ماد

بدون نیاز به ضامن

تلفن: ۴-۲۴۵۸۱۱۴۳ | www.carimport.ir